

محوطه روباز تبرک، شواهدی احتمالی از دوره قدیم پارینه سنگی
در بستر خشکیده رودخانه اترک، دشت قوچان
علی صدرايي^۱؛ بهرام عنانی^۲؛ میراحمد زوار موسوی نیای^۳

چکیده

بخش شرقی ایران و بویژه خراسان، یکی از مهم‌ترین نقاط ایران در حیطه باستان‌شناسی دوره پارینه‌سنگی است. از دوره قدیم پارینه‌سنگی مدارک و شواهد اندکی در دست است. نگارندگان در سال ۱۳۹۵ در خلال بازدید کوتاهی که از بستر رودخانه اترک در حاشیه جنوبی سد تبرک داشتند، مجموعه‌یی کوچک از دست‌افزارهای سنگی را که شامل ساطور-سنگ مادر، یک رویه، سنگ مادر-خراشنده، خراشنده جانبی و تراشه‌های ساده شکسته شناسایی نمودند. این پژوهش بر آن است تا در گام نخست با ریخت‌شناسی دست‌افزارهای مذکور به گاهنگاری نسبی آنها پرداخته و در نهایت با استفاده از مطالعات مقایسه‌یی با محوطه‌های هم‌عصر در خراسان و آسیای میانه، شواهد احتمالی دوره قدیم پارینه‌سنگی را در منطقه دشت قوچان بررسی نماید.

کلید واژگان: خراسان؛ پارینه سنگی قدیم؛ بستر رودخانه اترک؛ دشت قوچان، دست‌افزارهای سنگی.

مقدمه

در حیطه مطالعات باستان‌شناسی دوره پارینه سنگی، خراسان یکی از سفیدترین مناطق ایران بشمار می‌رود و برغم پتانسیل‌های زیست محیطی متنوعی که در آن وجود دارد، متأسفانه برنامه مدونی جهت پیگیری مطالعات باستان‌شناسی آن تا به امروز اجرا نگردیده است. این در حالی است که

۱. کارشناس ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس تهران (نویسنده مسئول)؛ Sadrayi.Ali@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه هنر اصفهان

۳. کارشناس ارشد باستان‌شناسی، مؤسسه آموزش عالی مارلیک نوشهر

بیش از هشتصد محوطهٔ روباز، غار و پناهگاه سنگی منتسب به دورهٔ پارینه سنگی در ایران شناسایی شده است (حیدری گوران، ۱۳۹۱: ۱۴۴) و وضعیت مبهم خراسان در این میان پرسش‌برانگیز بوده است. این مهم بویژه در حیطهٔ مطالعات پارینه سنگی قدیم بشکل شوربختانه‌یی از وضعیت بمراتب و خیمتری برخوردار است، بنحوی که تنها شاهد این دوره در خراسان را محوطه‌های روباز کشف رود دانسته‌اند (جامی‌الاحمدی، ۱۳۸۷؛ وحدتی‌نسب و آریامنش، ۱۳۹۴؛ بیگلری، ۱۳۹۴: ۲۰). هر چند وضعیت در ارتباط با سایر دوره‌های پارینه سنگی نیز تغییر قابل‌ملاحظه‌یی نمی‌نماید و بطور کلی تعداد محوطه‌های شناخته شدهٔ آن به زحمت به انگشتان دو دست میرسد و حتی در مواردی فواصل محوطه‌ها از یکدیگر به چندصد کیلومتر میرسد؛ این در حالی است که یکی از نخستین مناطقی که در قرن بیستم همزمان با آغاز مطالعات انسان‌شناس آمریکایی مورد کاوش قرار گرفت در جنوب خراسان و در پناهگاه صخره‌یی خونیک انجام گرفت که شواهدی از دوره میانی پارینه سنگی در آن شناسایی شد (Coon, 1951). پس از آن مک برنی برنامه گسترده‌یی جهت بررسی‌های پارینه سنگی در بخش‌های شرقی خراسان و مازندان به انجام رسانید؛ هرچند برخلاف منطقهٔ مازندران، در خراسان به مدارک مستدلی از این دوره دست نیافت (Mc burney, 1964). دیگر پژوهشی که در این زمینه صورت گرفت، بررسی‌های زمین‌شناسی در بستر خشکیدهٔ کشف رود بود که منجر به شناسایی دست‌ساخته‌های سنگی شد که بزعم پژوهشگران با توجه به تکنیک‌های بکار رفته و حضور سنگ مادرها و ساطور-سنگ مادرها در مجموعه به دورهٔ قدیم پارینه سنگی قابل‌انتساب بودند و حتی در تاریخگذاری نسبی به هشتصد هزار سال قبل منتسب میشدند (Ariai & Thibault, 1975: 101). همین مهم لزوم بازنگری آن را گوشزد نمود، از اینرو در پروژه بازنگری آن تا حدودی تکنیک‌های برشمردهٔ صنایع سنگی که در تحقیقات قبلی به دورهٔ قدیم پارینه سنگی منتسب شده بود تا حدودی مورد تأیید قرار گرفت (جامی‌الاحمدی، ۱۳۸۷: ۱۲۵)؛ هرچند در ارتباط با دورهٔ پیشنهادی هیچگونه شهادتی تا به امروز دال بر تأیید آن بدست نیامده است (بیگلری، ۱۳۹۴: ۲۵). متأسفانه پس از مطالعات مذکور طی چند دهه، ایندست از مطالعات به فراموشی سپرده شد و تنها در اواخر دههٔ هشتاد شمسی مطالعات پارینه سنگی نه بشکل مدون بلکه بیشتر بشکل پراکنده و موردی آغاز بکار نمود که همانگونه که ذکر شد در ابتدا به بازنگری یافته‌های پیشین اختصاص یافت (جامی‌الاحمدی، ۱۳۸۷). پس از آن محوطه‌یی روباز از دورهٔ میانی پارینه سنگی در جنوب خراسان شناسایی شد که بعنوان کارگاهی جهت ساخت ابزار معرفی گردید (برفی و سروش، ۱۳۹۳)؛ هرچند با توجه به میزان داده‌های

بدست آمده (کمتر از صد نمونه) و نوع استراتژی بررسی صورت گرفته، بدون شک تعیین کاربری محوطه مذکور خالی از اشکال نیست. همچنین محوطه‌ی دیگر که بعنوان محوطه‌ی دو دوره‌ی معرفی گردیده و توسط همین پژوهشگران شناسایی شده است در دشت بیاض و در نزدیکی شهر امروزی خضری در جنوب خراسان قرار گرفته که به دوره‌های میانی و فراپارینه سنگی منتسب گشته است (برفی و همکاران، ۱۳۹۳)؛ هرچند در بازنگریهای صورت گرفته بخشی از مجموعه به دوره جدید فراپارینه سنگی منتسب گشته است (بیگلری، ۱۳۹۴: ۲۰). دیگر پژوهشی که در این حیطه صورت گرفته در خلال بررسیهای شناسایی در بخش خوسف خراسان جنوبی انجام گرفته که منجر به شناسایی شش تجمع ابزاری در نزدیکی شهر امروزی خوسف گردیده است (نیکزاد و صدیقیان، ۱۳۹۴: ۳؛ Nikzad et al, 2015). همچنین در دشت سبزوار و در حاشیه شهر امروزی سبزوار، تجمع دست‌افزارهایی شناسایی شده است که بزعم پژوهشگران به دوره میانی پارینه سنگی قابل انتساب هستند (Sadraie et al, 2017) گفتنی است دست‌افزارهای مذکور بر روی بال جنوبی محوطه‌ی از دوره روستانشینی شناسایی شده است، همین امر و در کنار آن تعداد کم یافته‌ها انتساب آنها به دوره پارینه سنگی را دچار تردید نموده است.

از دیگر داده‌های بدست آمده از این دوره میتوان به نمونه دست‌ساخته‌های سنگی اشاره نمود که بر روی بستر خشکیده رودخانه درونگر در شهرستان درگز از توابع استان خراسان اشاره نمود که به تازگی شناسایی شده و به دوره قدیم پارینه سنگی منتسب گشته‌اند (Sadraei et al 2018).

همچنین داده‌های سطحی بدست آمده از محوطه روباز کلاته شور در جنوب خراسان، دیگر شواهدی است از حضور جوامع شکارورز-گردآورنده در شرق ایران که براساس مطالعات فن گونه‌شناختی بعمل آمده به دوره میانی پارینه سنگی منتسب شده‌اند (Sadraei&Anani, 2018).

در این بین داده‌های بدست آمده از بستر خشکیده رودخانه اترک، یکی از جدیدترین یافته‌های بدست آمده از دوره پارینه سنگی در پهنه شرقی ایران بشمار میرود. داده‌های مذکور در خلال بازدید کوتاهی که در سال ۱۳۹۵ توسط نگارندگان در حاشیه جنوبی سد تبرک انجام گرفت، بر روی بستر خشکیده اترک در شعاعی نزدیک به پانصد متر مجموعه‌ی کوچک شامل ساطور-سنگ مادر، یک رویه، سنگ مادر-خراشنده، قطعات سنگ مادر، خراشنده جانبی و تراشه‌های شکسته‌ی شناسایی شدند که در برخی از موارد دچار آبسودگی گردیده و حاکی از جابجایی آنها از مکانی دیگر به این بخش از دشت است. نگارندگان در این پژوهش برآند تا در گام نخست به ریخت‌شناسی دست‌افزارهای مذکور پرداخته و در نهایت پس از گاهنگاری نسبی داده‌های بدست

آمده به مطالعات مقایسه‌ی با محوطه‌های همعصر آن از جمله محوطه‌های روباز کشف رود و درونگر پردازند.

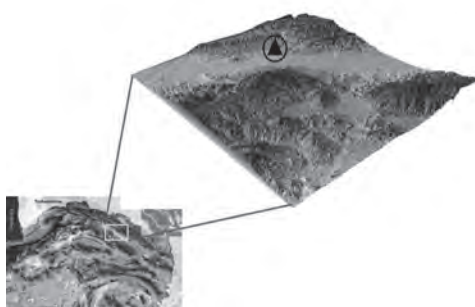
زمین‌سیمای منطقه مورد مطالعه

دشت قوچان در شمال خراسان رضوی قرار دارد و بلحاظ حاصلخیزی یکی از مهمترین دشتهای خراسان رضوی بشمار میرود (تصویر ۱). این دشت با ارتفاع حدود ۱۲۵۰ متری از سطح دریا بخشی از حوضه آبریز رودخانه اترک محسوب میشود و با متوسط بارش سالیانه ۲۸۲ میلی‌متر جزئی از مناطق نیمه خشک بشمار میرود (لشکری‌پور و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۵). از نقطه نظر زمین‌شناسی، این دشت، بخشی از حوضه کپه‌داغ محسوب میشود که در شمال شرق ایران قرار دارد. این حوضه بیشتر از سنگهای رسوبی دوران دوم و سوم زمین‌شناسی با ضخامت نسبتاً زیاد پوشیده شده و توالی رسوبی در منطقه با آهکهای ژوراسیک شروع شده و تا دوره ائوسن ادامه داشته است. در این حوضه میتوان به سازنده‌های مهم و شناخته شده‌ی از جمله مزدوران، شوریجه، تیرگان و خانگیران اشاره نمود (همانجا). در میانه این دشت رودخانه اترک بعنوان یکی از طولانیترین رودخانه‌های ایران در جریان است و از روستای عمارت شهرستان قوچان سرچشمه گرفته و بعد از مشروب ساختن دشتهای قوچان، شیروان و بجنورد و بعد از ملحق شدن چند شاخه مهم به آن از منطقه رضاآباد میگذرد (صدرایی، ۱۳۹۵: ۳۴) (تصویر ۲).

اترک بالایی حدود ۶۲۱۳ کیلومترمربع را شامل میشود و از منطقه رضاآباد تا قازانقایه را اترک میانی مینامند که مساحت حوضه در این قسمت ۱۶۴۱۶ کیلومترمربع را دربرمیگیرد. این رودخانه پس از گذشتن از قازانقایه تا دشتهای ساحلی دریای خزر بنام اترک سفلی معروف است که مساحت حوضه در این قسمت ۷۸۳۵ کیلومترمربع است که در چاتین، رودخانه سومبار ترکمنستان به آن میریزند. این رودخانه پس از عبور از بخش این‌چه‌برون بعلت شیب کم زمین در دشت پخش میشود که نتیجه آن دریاچه‌هایی نظیر آلاگل، آلما، گلو تنگ‌لی بوده که نهایتاً در خلیج حسینقلی (در صورت طغیان) به دریای خزر مییوندد و اترک خارجی رودخانه سومبار ترکمنستان را شکل میدهد (همانجا).

در این میان دست‌افزارهای بدست آمده از بستر رودخانه اترک که در سه کیلومتری شرق شهر امروزی اترک و در بخش پایینی سد تبرک قرار گرفته از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ چرا که نشان از وجود شواهدی هر چند محدود از حضور جوامع شکارورز-گردآورنده در حوضه

اترک دارد؛ شواهدی که در حوضه رودخانه کشف رود در امتداد شرقی این رودخانه و همچنین در حوزه رودخانه درونگر نیز بدست آمده است و لزوم بازنگری در فرایند اجرای پژوهشهای پارینه سنگی را گوشزد مینماید.



تصویر ۱) موقعیت قرارگیری محوطه تبرک در دشت قوچان (Rousraei & Nokandeh, 2017 با کمی تغییرات)



تصویر ۲) دورنمایی از رودخانه اترک در فصل پرباران بهار که آب در آن جریان مییابد (منبع: نگارندگان)

ماده خامسنگی مورد استفاده

پارینه سنگی آن بخش از تاریخ انسان را دربرمیگیرد که انسان (به مفهوم کلی کلمه) سنگ را بعنوان ابزاری برای رفع نیازهای خود بکار برده است (اینزیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳) که بطور کلی از ۲/۶ سال قبل مییابد (همانجا). در این بین انتخاب نوع سنگ برای انجام فرایند تراشه برداری و ساخت ابزار لازم از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ بنحوی که یکی از سه عامل اصلی در انتخاب و استفاده از محوطه ها و استقرارگاهها بشمار میرود (ادیب زاده و وحدتی نسب، ۱۳۹۵: ۱۰۹).

در خلال بازدید کوتاهی که از بستر رودخانه اترک انجام گرفت، بدلیل کمبود زمان، نگارندگان موفق به شناسایی منابع ماده خام سنگی مورد استفاده در مجموعه اترک نگردیدند. از سوی دیگر با توجه به این مهم که مجموعه بدست آمده برجا نبوده نمیتوان در ارتباط با محل اصلی آنها و منابع مورد استفاده آن سخن گفت. ولیکن شاید بتوان انگاره استفاده از قلوه‌های رودخانه‌یی در فرایند تراشه‌برداری را پیش کشید که تنها در صورت مطالعات تکمیلی میتوان به نتایج متقن‌تری در این رابطه دست یافت. دست‌ساخته‌های این مجموعه که بر روی هم هفت نمونه را شامل میشوند، بلحاظ جنس و نوع سنگ بکار رفته تا حدود زیادی یکدست بوده بنحوی که پنج نمونه از دست‌افزارهای مذکور از جنس کوارتز است. امری که در مجموعه کشف رود نیز دیده شده و عمده سنگهای بکار رفته در آن نیز از کوارتز بوده است (Ariai & Thibault, 1975:101). فلینت و چرت دیگر سنگهایی هستند که در مجموعه تبرک استفاده گردیده است (نمودار ۱).



نمودار ۱) ترکیب‌بندی ماده خام سنگی مورد استفاده در مجموعه تبرک (بر حسب تعداد) (منبع: نگارندگان)

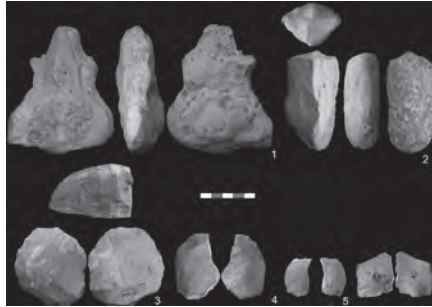
دست‌ساخته‌های سنگی تبرک

همانگونه که ذکر گردید با وجود اینکه نمونه‌های بدست آمده از بستر رودخانه اترک محدود بوده ولیکن نخستین شواهد حضور صنایع سنگی دوره پارینه سنگی در دشت قوچان بشمار می‌روند. بطور کلی مجموعه بدست آمده از بستر رودخانه اترک هفت نمونه را دربر میگیرند (تصویر ۳ و ۴ و جدول ۱) که در شعاعی نزدیک به پانصد متر و در میان آبرفتهای رودخانه‌یی بستر اترک مدفون گردیده بودند و بمرور در اثر عوامل طبیعی بر روی سطح نمایان شدند. این دست‌افزارها شامل یک رویه (۱ نمونه) ساطور سنگ مادر یک وجهی (۱ نمونه) سنگ مادر- خراشنده (۱ نمونه) قطعات سنگ مادر (۱) خراشنده جانبی (۲ نمونه) و تراشه شکسته (۱ نمونه) هستند. در این میان وجود یک رویه‌یی در میان مجموعه از اهمیت بسزایی برخوردار است (تصویر ۱، شماره ۱).

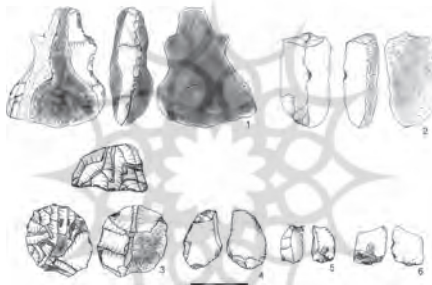
نمونه مذکور که متأسفانه نیمی از آن دچار شکستگی گشته است، شانزده سانتیمتر طول و ده سانتیمتر عرض دارد و از قاعده تا بخش فوقانی بتدریج به عرض آن افزوده می‌گردد بنحوی که در بخش فوقانی عرض آن به سه سانتیمتر میرسد. در حالی که لبه سمت چپ این دست‌افزار شکسته است، در لبه سمت راست آن اثر چهار برداشته دیده می‌شود که در امتداد راستای سنگ ایجاد شده‌اند و روتوشهایی در امتداد آنها ایجاد شده‌اند که بر روی آنها پتینه و زنگار قهوه‌یی رنگی دیده می‌شود و ناشی از مدفون ماندن در رسوبات رودخانه‌یی است. ساطور- سنگ مادر دیگر دست‌افزاری است که در مجموعه تبرک دیده شده است. این نمونه از جنس کوارتز بوده و ده و نیم سانتیمتر طول دارد و بیشترین عرض آن در بخش میانی به شش سانتیمتر میرسد. در بخش فوقانی آن اثر پنج برداشته دیده می‌شود که تمام بخش فوقانی را دربرگرفته است. این در حالی است که بخشهایی انتهایی تر آن بدلیل خردشدگی و فرسودگی چندان قابل استناد نبوده و نمیتوان در ارتباط با آن چیزی گفت؛ ناگفته نماند که رویه دیگر این دست‌افزار به شکل کامل دارای پوسته اولیه بوده و اثر برداشته‌یی بر روی آن دیده نمیشود.

سنگ مادر- خراشنده دیگر دست‌افزاری است که در مجموعه مذکور شناسایی شده است. این دست‌افزار از جنس فلینت بوده و در هر دو رویه آن اثر برداشته‌های متناوب بچشم می‌خورد. این نمونه که بیش از سی اثر برداشته بر روی آن قابل شناسایی است و حاکی از استفاده حداکثری از آن میباشد، هفت سانتیمتر طول داشته و شش سانتیمتر عرض دارد و در قسمت پشتی آن آثار وجود پتینه سنگینی دیده می‌شود. همچنین میزان پوسته اولیه در آن کمتر از ۱۰٪ است و تنها در بخشهای مرکزی آن وجود دارد. بعلاوه، قطعه‌یی از یک سنگ مادر نیز در مجموعه قابل شناسایی است که با توجه به سطحی بودن مجموعه و همچنین عدم شناسایی فناوری بکار رفته در تراشه‌برداری از آن نمیتوان در ارتباط با آن اطلاعات چندان ارئه نمود. نمونه مذکور دو سانتیمتر طول و یک و نیم سانتیمتر عرض دارد که از جنس چرت رگه‌دار بوده و آثار آبسودگی بر روی سطح آن مشهود است و تنها دو اثر برداشته قابل شناسایی است. خراشنده‌های جانبی که دو نمونه از آنها در مجموعه دیده میشوند، از جنس کوارتز بوده و بر روی آنها اثر آبسودگی شدید بچشم می‌خورد و گویای قرارگیری طولانی مدت در معرض جریانهای آبی هستند که با بستر بدست آمده از آن همخوانی دارد. تشخیص میزان و شدت روتوش در این نمونه‌ها بدلیل قرارگیری در معرض جریانهای آبی بسیار مشکل است ولیکن میتوان آثار روتوش متوسط تا سنگینی را بر روی هر دو دست‌افزار مشاهده نمود. از دیگر دست‌ساخته‌های این مجموعه نیز

میتوان به تراشه ساده و تراشه شکسته اشاره نمود که همانند خراشنده‌های جانبی آثار آبسودگی و خردشدگی بر روی آنها قابل مشاهده است.



تصویر ۳) گزیده‌یی از دست‌افزارهای محوطه تبرک: ۱. یک رویه؟
۲. ساطور- سنگ مادر- ۳. سنگ مادر- خراشنده ۴ و ۵. خراشنده جانبی ۶. تراشه شکسته



تصویر ۴) گزیده‌یی از دست‌افزارهای محوطه تبرک: ۱. یک رویه؟ ۲. ساطور- سنگ مادر
۳. سنگ مادر- خراشنده، ۴ و ۵. خراشنده جانبی ۶. تراشه شکسته (طراحی: نگارندگان)

نتیجه‌گیری

برغم اینکه پژوهش‌های پارینه‌سنگی در خراسان در آغاز راه خود و با ورود کارلتون استنلی کون به شکل رضایت‌بخشی شروع گردید و پس از آن نیز کمابیش ادامه داشت، ولیکن در طی دهه گذشته، شوربختانه آنطور که باید و شاید مطالعات درخوری در آن خصوص صورت نپذیرفت و تنه مطالعات مستند در این زمینه بازنگری مجموعه کشف رود بود که در اواخر دهه هشتاد انجام گرفت (جامی‌الاحمدی، ۱۳۸۷) و پس از آن تا حدود زیادی به فراموشی سپرده شد. هر چند طی چند سال گذشته پژوهش‌هایی بشکل منفرد و نه بشکل منسجم و هدفدار صورت پذیرفته است ولیکن پاسخگوی پرسشها و ابهامات مرتبط با صنایع تراشه‌برداری دوره پارینه‌سنگی نیست (برفی و همکاران، ۱۳۹۳؛ Sadraei et al, 2017؛ Sadraie et al, 2018). در این میان مجموعه بدست آمده از بستر رودخانه اترک یکی از جدیدترین یافته‌های مرتبط با این دوره بشمار میرود. داده‌های

مذکور که شامل یک رویه، ساطور سنگ مادر، سنگ مادر- خراشنده و... هستند، دارای ویژگیهای تراشه‌برداری دوره قدیم پارینه سنگی میباشند (Shea, 2013: 53-54). هر چند نباید فراموش کرد که داده‌های مذکور برجا نبوده و نمیتوان در ارتباط با منشاء مکانی اصلی آنها سخن گفت.

بلحاظ موقعیت جغرافیایی دست‌افزارهای تبرک میان دو محوطه کشف رود و درونگر (تصویر ۴) و در مسیر دالانی قرار گرفته است که توسط برخی از پژوهشگران این حیطه بعنوان مسیر مهاجرتی انسان ریختها از غرب به شرق ایران (B و C) معرفی شده است (VahdatiNasab et al, 2013:27). از جهت تکنیک تراشه‌برداری نیز داده‌های بدست آمده همخوانی نسبی با محوطه‌های مجاور دارند بنحوی که حضور ساطور سنگ مادرها و یک رویه‌ها در دو محوطه دیگر نیز گزارش شده است (جامی‌الاحمدی، ۱۳۸۷؛ Sadrei et al, 2018) ولیکن در این بین حضور دو سویه در کشف رود و درونگر دیده میشود، این درحالی است که در نمونه‌های بدست آمده از حوضه اترک، تکنیک دو رویه شناسایی نشده است، هر چند در سنگ مادر خراشنده‌یی که در مجموعه وجود دارد، از دو سویه آن تراشه‌برداری صورت گرفته است ولیکن نمیتوان آن را در دسته دو رویه‌ها قرار داد. از سوی دیگر، جنس غالب سنگهای بدست آمده از اترک کوارتز بوده که با نمونه‌های کشف رود قابل مقایسه است، این درحالی است که در مجموعه بدست آمده از حوضه رودخانه درونگر در دشت درگز غالب دست‌افزارها از جنس فلینت بوده است، لیکن نکته قابل تأمل در ارتباط با این دو محوطه (اترک و درونگر) تأثیر جریانهای آبی رودخانه بر روی دست‌افزارها است که بشکل خردشدگی و آبسودگی قابل مشاهده است.

در پایان میتوان اینگونه عنوان نمود که نمونه‌های بدست آمده از حوضه رودخانه اترک بی‌شک پتانسیل منطقه را در انجام و پیگیری ایندست پژوهشها گوشزد و نیز لزوم بازنگری در فرایند اجرای پروژه‌های باستان‌شناسی را گوشزد مینماید، امری که تا به امروز آنطور که باید و شاید به آن پرداخته نشده است. محوطه‌های اترک، درونگر و کشف رود تا حدود زیادی در راستای مسیر مهاجرتی فرضی هستند که از بخشهای شمالی خراسان عبور میکنند، این درحالی است که بخش قابل توجهی از خراسان در وضعیت بسیار مبهم و اصطلاحاً «سفید» بسر میرود و نمیتوان آن را معلول نبود آثاری از این دوره دانست و بمنظور پاسخگویی به این پرسش مهم که وضعیت این بخش از ایران که از اهمیت بالایی نیز برخوردار است، در دوره پارینه سنگی به چه شکلی بوده است و جوامع شکارورز-گردآورنده از چه نوع صنایع سنگی استفاده مینموده‌اند؟ و از چه الگوهای معیشتی استفاده میکردند؟ تنها میتوان با انجام پژوهشهای هدفمند و علمی آتی پاسخ داد.



نقشه ۱) مسیرهای مهاجرتی انسان ریخته‌ها در پیکره فلات ایران و جایگاه سه محوطه پارینه سنگی قدیم خراسان در آن، کشف رود، اترک، درونگر (VahdatiNasab et al, 2013:267 همراه با کمی تغییرات توسط نگارندگان)

جدول ۱) مشخصات و ترکیب‌بندی کلی دست‌ساخته‌های بدست آمده از محوطه تبرک

ردیف	نوع دست ساخته	طول (سانتی‌متر)	عرض (سانتی‌متر)	وزن (گرم)	ضخامت	جنس	پوسته (درصد)	پتینه (درصد)	آب‌سودگی	خردشستگی	روتوش	شدت روتوش	ملاحظات
۱	سایطور- سنگ مادر	۱۰۰۵	۶	۱۲۷	۲۰۸	کوارتز	۵۰	-	دارد	دارد	-	-	پنج اثر برداشته قابل شناسایی است
۲	سنگ مادر- خراشیده	۷	۶	۶۳	۴۰۸	فلینت	۱۰	۲۵	-	-	-	-	سی اثر برداشته قابل شناسایی است
۳	قطعات سنگ مادر	۲	۱۰۵	۶۰۲	۱۰۱	چرت	-	-	-	دارد	-	-	دو اثر برداشته قابل شناسایی است
۴	یک رویه	۱۶	۱۰	۴۳۰	۵۴	کوارتز	۷۰	-	دارد	دارد	دارد	سنگین	نیمه جانبی یک رویه مذکور دچار شکستگی گردیده است
۵	خراشیده جانبی	۴۰۱	۲۰۸	۱۳	۰/۸	کوارتز	-	-	دارد	دارد	دارد	متوسط	دست‌افزار مذکور بشدت آب‌سوده است.
۶	خراشیده جانبی	۲۰۷	۱۰۸	۵۰۶	۰/۳	کوارتز	-	-	دارد	دارد	دارد	سنگین	دست‌افزار مذکور بشدت آب‌سوده است.
۷	تراشه شکسته	۳	۲۰۱	۶۰۳	۰/۲	کوارتز	-	۳	دارد	دارد	دارد	-	بخش انتهایی دست‌ساخته مذکور دچار شکستگی گردیده است

منابع فارسی

- ادیب‌زاده، مرتضی؛ وحدتی‌نسب، حامد؛ «منشأیابی مجموعه دست‌افزارهای پارینه سنگی محوطه چم سوران در حوضه رودخانه راوند، بخش غربی زاگرس مرکزی»، فصلنامه کواترنری ایران، دوره دوم، شماره دوم، ۱۳۹۵.
- اینزیان، ماری لوییز؛ ردرن بالینگر، میشل؛ روش، هلن؛ تیکسیه، ژان؛ فناوری و واژه‌شناسی دست‌افزارهای سنگی، ترجمه الهام قصیدیان، تهران: نشر سمیرا، ۱۳۸۹.
- برفی، سیروس؛ سروش، محمدرضا؛ «یک کارگاه ساخت مصنوعات سنگی دوره پارینه سنگی میانی، شهرستان سریشه خراسان جنوبی»، مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی باستان‌شناسی ایران، بکوشش حسن هاشمی زرج آباد و سید محمد حسین قریشی، نشر چهار درخت، ۱۳۹۳.
- برفی، سیروس؛ زعفرانلو، رقیه؛ سروش، محمدرضا؛ «معرفی یک محوطه باز دوره پارینه سنگی در شهرستان قائنات، شمال خراسان جنوبی»، مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی باستان‌شناسی ایران، بکوشش حسن هاشمی زرج آباد و سید محمد حسین قریشی، نشر چهار درخت، ۱۳۹۳.
- بیگلری، فریدون؛ «مروری بر باستان‌شناسی دوران پارینه سنگی در خراسان با تأکید بر محوطه‌های کشف رود»، گذری بر باستان‌شناسی خراسان: گزیده‌هایی از یافته‌های باستان‌شناسی و نفایس تاریخی-فرهنگی خراسان، بکوشش میثم لباف خانیکی، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۳۹۴.
- _____؛ «پژوهشهای پارینه سنگی ایران از آغاز تا اواخر دهه هفتاد»، مجموعه مقالات هشتاد سال باستان‌شناسی ایران، بکوشش یوسف حسن‌زاده و سیما میری، تهران: نشر پازینه با همکاری موزه ملی ایران، جلد دوم، ۱۳۹۱.
- جامی‌الاحمدی، مانا؛ «بازنگری مطالعات پارینه سنگی در حوزه رودخانه کشف رود و معرفی محوطه‌های جدید پارینه سنگی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
- حیدری گوران، سامان؛ «دالان ایران؛ ورود نخستین انسان به سرزمین ایران از دیدگاه بوم‌شناسی»، نامورنامه (مقاله‌هایی در پاسداشت یاد مسعود آذرنوش)، بکوشش حمید فهیمی و کریم علیزاده، تهران: نشر ایران نگار، ۱۳۹۱.
- صدرایی، علی؛ «قوم‌نگاری طایفه روتکانلو و بررسی دلایل کوچ و عوامل دخیل در آن با رویکرد باستان‌شناسی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۵.
- لشکری پور، غلامرضا؛ نحعی، محمد؛ بهزادی‌فر، ولی‌الله؛ «بررسی کمی آبهای زیرزمینی دشت قوچان و شیروان با استفاده از GIS»، فصلنامه مهندسی آبیاری و آب، سال دوم، شماره هفتم، ۱۳۹۱.
- نیکزاد، میثم؛ صدیقیان، حسین؛ «شواهدی جدید از دوره پارینه سنگی در شهرستان خوسف، خراسان جنوبی، حاشیه شمال شرقی کویر لوت در شرق ایران»، مجله پیام باستان‌شناس، سال دوازدهم، شماره ۲۴، پاییز و زمستان، ۱۳۹۴.

- وحدتی نسب، حامد؛ آریامتش، شاهین؛ باستان‌شناسی پارینه‌سنگی ایران از آغاز تا سپیده‌دم روستانشینی، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۳۹۴.

منابع انگلیسی

- Ariai, A. & Thibault, C., "Nouvelles precisions a propos de l'outillagepaleolithique ancient sur galets du Khorassan (Iran)", *Paleorient* 3, 1975.
- Coon, C.S., Cave Explorations in Iran 1949, Museum Monographs, The University Museum, University of Pennsylvania, Philadelphia, 1951.
- Mc burney, C.B.M., "Preliminary Report on Stone Age Reconnaissance in North_Eastern Iran," *Proceeding of the Prehistoric Society*, 30, 1964.
- Nikzad, Meisam, Sedighian, Hossein, Ghasemi, Elham, New Evidence of Paleolithic activity from ShouthKhorasan, easterniran, *Antiquity*, vol.89.Iss, 347, Progetc Gallery, 2015.
- Roustaei, Kourosh & Nokandeh, Jebrael, "Neolithic developments in the Gorgan Plain, south_east of the Caspian Sea," *Antiquity*, vol. 91, Issue 358, Project Gallery , 2017.
- Sadraei, Ali, Anani, Bahram, Kalat_e Shour, Sarayan, evidence of the presence of Pleistocene Population in the Eastern Iranian plateau, *L'anthropologie*, vol 122, 2018.
- Sadraei, Ali, FallahMehne, Mehdi, Saburi, Hadi, Garazhian, Omran, Azar, Mahya, New Evidence of Middle Paleolithic period in Sabzevar plain, Northeast of Iran, *Archaeology*, 5(1), 2017.
- Shea, J., *Stone tools in the Paleolithic and Neolithic Near East*, Cambridge University Press, 2013.
- VahdatiNasab, Hamed, Geoffrey A. Clark, Turkamandi, "Shirin, Late Pleistocene dispersal corridorsacros the Iranian plateau: A case study from Mirak, A Middle Paleolithic Site on the Northern edge of the Iranian Central Desert (Dasht_e Kavir)," *Quaternery International*, 300, 2013.
- Sadraei, Ali, FallahMehne, Mehdi, Toghraei, Mahmoud, Anani, Bahram, Azar, Mahya, the Probable Lower Paleolithic Evidence from Darongar River, Dargaz, North Khorasan, Iran, *Archaeology*, 6 (1), 2018.